



شیخ مفید جامعه را با روش صحیح استدلال آشنا ساخت/اساتید و شاگردان شیخ

شیخ مفید با استفاده از مبانی علم کلام و اصول راه بحث و استدلال را بر شیعیان گشود. وی ابواب فقه را با دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و هر موضوعی را در جایگاه خویش بیان کرد و با این روش، جامعه مسلمانان را با روش صحیح استدلال آشنا ساخت

خبرگزاری مهر - شیخ مفید با استفاده از مبانی علم کلام و اصول راه بحث و استدلال را بر شیعیان گشود. وی ابواب فقه را با دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و هر موضوعی را در جایگاه خویش بیان کرد و با این روش، جامعه مسلمانان را با روش صحیح استدلال آشنا ساخت.

در میان دانشمندان اسلامی، بزرگانی یافت می شوند که در پیشرفت احکام الهی در جوامع تأثیر بسیار داشته، آثاری جاویدان از خود به جای گذاشته اند؛ شیخ مفید، در شمار چنین دانشمندانی جای دارد. نامش «محمد بن محمد بن نعمان بن عبد السلام؛ و کنیه اش «ابوعبدالله؛ است که در یازدهم ذی قعدة (سالروز میلاد حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا(ع)) در سال 336 ه.ق. دیده به جهان گشود. (1)

شیخ طوسی، در کتاب رجال خود، در بخش کسانی که از ائمه روایت نقل کرده اند، از این عالم گرانسنگ این گونه یاد می کند:

«محمد بن محمد بن نعمان دانشمندی بزرگ و موثق است. «او در فهرست می نویسد: «محمد بن محمد بن نعمان معروف به «ابن معلم؛ از متکلمان امامیه است و در زمان او ریاست علمی و دینی شیعه به او منتهی گردید. در علم فقه و کلام بر هر کس برتری داشت. دانشمندی حاضر جواب بود و نزدیک به 200 جلد کتاب از او به یادگار مانده است. (3)

ابن شهر آشوب در مورد وی می نویسد: شیخ مفید ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان از شاگردان «ابو جعفر بن قولویه؛ بود و حضرت ولی عصر او را به «شیخ مفید؛ ملقب فرمود. (4) نجاشی - که خود از زمره شاگردان آن عالم گرانمایه است- درباره استادش می گوید: استاد ما - رضی الله عنه - مقام والای او در علم و کلام و روایت و وثاقت، مشهورتر و معروفتر از آن است که به وصف آید. (5)

عصر حیات

جایگاه و مقام علمی و دینی شیخ مفید زمانی بهتر روشن می گردد که عصر وی مورد بررسی قرارگیرد. در عصر شیخ مفید، شیعیان از آزادی بیشتری برخوردار بودند و وجود عالم بزرگواری چون شیخ مفید در میان آنان به اعتبارشان می افزود. شیخ از پراکندگی شیعیان ممانعت ورزید، آنان را از خطر تفرقه نجات داد، با اعتبار خویش اوضاع اسفبار آنها را سامان بخشید و آنها را به اوج عزت رسانید. شیخ مفید در محله کرخ بغداد - که مرکز شیعیان بود- می زیست و مسجد معروف «براثا؛- که اکنون زیارتگاه شیعیان است- محل تدریس وی بود. (6)

از سوی دیگر، دوران شیخ مفید دوران رونق مباحث کلامی و اصولی در میان دانشمندان اهل سنت بود. پیش از وی، شیعیان در مسائل کلامی و اصولی حلقه های درس تشکیل داده بودند و شیخ صدوق - که ریاست علمی و دینی شیعیان را عهده دار بود - سبک ساده ای در تصنیف و تألیف کتب پیش گرفت و بر همان شیوه نیز فتوا داد.

سبک ساده بیانی صدوق، جهت تفهیم مسایل کلامی و اعتقادی سودمند بود، ولی با پیشرفت علمای اهل سنت در آن علوم، ادامه آن سبک، سبب رکود جامعه شیعی می شد. بر این اساس، ایجاد یک تحول، ضروری به نظر می رسید. در این زمان شیخ مفید با استفاده از مبانی علم کلام و اصول راه بحث و استدلال را بر شیعیان گشود: ابواب فقه را با دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، هر موضوعی را در جایگاه خویش بیان کرد و با این روش، جامعه مسلمانان را با روش صحیح استدلال آشنا ساخت. (7)

شیخ مفید نه تنها نزد علمای شیعه بلکه نزد علمای اهل سنت نیز مقامی والا داشت و آنها نیز او را می ستودند. ابن ندیم - که از معاصران او بود- درباره وی می نویسد: «دانشمندی با هوش و با فراست است. من او را دیده ام، دانشمندی عالقدر است.« (8)

ابن حجر عسقلانی درباره وی می نویسد: «مفید بسیار پارسا و فروتن و پاسدار علم بود. گروهی از دانشمندان از محضر او بهره جستند. او چنان در مکتب تشیع والامقام است که معروف است بر هر دانشمندی منت (حق) دارد.« (9)

شیخ مفید در مناظره از قدرت خارق العاده ای برخوردار بود و مخاطب خویش را به خوبی اقناع می کرد. خطیب بغدادی - که از علمای اهل سنت و هم عصر شیخ مفید بود- می گوید: «او، اگر می خواست، قدرت داشت ثابت کند که ستون چوبی از طلا است.« نامهای چند تن از علمای اهل سنت - که شیخ مفید اغلب با آنها مناظره می کر- عبارت است از: علی بن عیسی رمانی، قاضی ابوبکر باقلانی و قاضی عبدالجبار معتزلی.

شیخ مفید و تبعید

شیخ مفید در عصر «عضدالدوله دیلمی« و حکومت آل بویه - که دوران عزت و اقتدار شیعه بود- می زیست و اکثر مناظرات وی در همین دوران صورت گرفت. شیخ در زمان وفات عضدالدوله 34 ساله بود، البته این دوران آزادی برای شیخ و شیعیان چندان پایدار نبود؛ زیرا به زودی دوران دستگیری و تبعید شیخ و دوستانش آغاز شد. ابن اثیر از آن دوران این گونه یاد می کند: «در سال 409ه. ق سلطان الدوله، پسر بهاءالدوله، ابن سهلان را به حکومت بغداد منصوب کرد، چون او وارد بغداد شد، ابوعبدالله بن نعمان، فقیه شیعه را تبعید کرد.« (10)

استادان شیخ

شیخ مفید از علمای بزرگوار شیعه و دانشمندان اهل سنت بهره برد. نامهای شماری از استادان شیخ عبارت است از:

1 - جعفر بن محمد قولویه قمی.

2 - ابوغالب زراری.

3 - ابن جنید اسکافی.

4 - ابو حفص عمر بن محمد (معروف به ابن زیات).

شاگردان شیخ

در محضر او جمع کثیری از دانش پژوهان شیعه و سنی حضور یافتند و بهره های وافر جستند. نامهای شماری از شاگردان موفق شیخ چنین است: سید رضی، سید مرتضی، شیخ طوسی، ابوالعباس نجاشی (رجالی مشهور) و سالار بن عبدالعزیز (سلار). همه این دانشمندان، از بزرگان شیعه به شمار می آیند و در نشر احکام الهی سهم به سزایی داشتند و منشأ خیرات فراوان بودند.

آثار شیخ مفید

شیخ در سایه پشتکار فراوان در کلیه علوم اسلامی تألیف و تصنیف دارد و تقریباً از همه موضوعات علمی و دینی سخن به میان آورده است. ذهبی - که خود از بزرگان و علمای اهل سنت است- از کتابهای این دانشمند شیعی با عبارت «تصانیف بدیعة و کثيرة raquo; یاد می کند. (11) و نجاشی، شاگرد با ارزش شیخ، 175 کتاب برای وی ذکر می کند. نامهای شماری از کتابهای او عبارت است از: عیون و محاسن، مختصری در غیب، مصابیح النور، اصول الفقه، فرائض شرعی، ایمان ابی طالب، مسایل اهل خلاف، الايضاح فی الامامة، الارشاد، کشف السرائر.... (12) ابن شهر آشوب در کتاب خویش 52 کتاب را بر می شمارد و افزون بر آنچه شیخ طوسی و نجاشی ذکر کرده اند، از 15 کتاب دیگر نام می برد بر این اساس، شمار کتابهای شیخ 190 عنوان می شود. (13)

افول ستاره

نجاشی، شاگرد عالیقدر شیخ، از زمان فراق استاد چنین می گوید: «مفید (ره) سه شب مانده به آخر ماه رمضان سال 413 هـ . وفات یافت و ولادتش روز یازدهم ذی قعدة سال 336 هـ . بود. شریف مرتضی ابوالقاسم علی بن حسین (سید مرتضی) در میدان اشنان بر پیکر او نماز گزارد. میدان با وجود وسعت فراوانی که داشت، از کثرت معیت به تنگ آمده بود. بعد از نماز، جسد مطهرش را در خانه اش به خاک سپردند. چند سال بعد او را به مقابر قریش، کنار مرقد حضرت امام موسی بن جعفر(ع) منتقل ساختند. (14)

پی نوشتها:

1 - البته گروهی معتقدند در سال 338 به دنیا آمده است.(رجال، نجاشی، ص 403)

2 - رجال، شیخ طوسی، ص 514.

3 - فهرست، شیخ طوسی، ص 157.

4 - معالم العلماء، ابن شهر آشوب، ص 112. البته مرحوم خویی این مطالب را بعید می شمرد و می فرماید: اگر توقیع حضرت به شیخ مفید ثابت باشد، این در اواخر عمر ایشان بوده و حال آنکه شیخ مفید از دوران جوانی ملقب به مفید بود.(معجم رجال الحدیث، ج 17، ص 209)

5 - رجال، نجاشی، ص 399.

6 - مفاخر اسلام، علی دوانی، ج 3، ص 241.

7 - همان، ص 242.

8 - فهرست ابن ندیم، ص 266.

9 - لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج 5، ص 368.

10 - مفاخر اسلام، ج 3، ص 253.

11 - میزان الاعتدال، ذهبی، ج 4، ص 26 و 30.

12 - رجال، نجاشی، ص 399.

13 - معجم رجال الحديث، ج 17، ص 207.

14 - رجال، نجاشی، ص 402.